

فتوت و جوانمردی در سیره و کلام حضرت علی (ع)

علی زرینی^۱

رضا سمیع‌زاده^۲

چکیده

فتوت شعبه‌ای از علم تصوف است که راه و رسم‌های آن ساده، عملی و درخور فهم عامه مردم است. حضرت علی (ع) فتوت و جوانمردی را بهترین جلوه دین و زیباترین زینت انسان می‌دانند. آنچه که حضرت علی (ع) را برای جوانمردان و اهل فتوت در جایگاه قطب فتوت نشانده، ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت است که در اعمال و کلام آن بزرگوار پدیدار است. ویژگی‌های اخلاقی آن امام همام از دیرباز مورد توجه علمای اخلاق و نگارندگان بوده است لذا در بسیاری از متون دینی و فتوت‌نامه‌ها به سیره پاکیزه آن بزرگوار استناد و استدلال نموده‌اند. در این پژوهش شرایط، نشانه‌ها، آیین و اصول فتوت و جوانمردی در سیره و کلام آن حضرت مورد بررسی قرار گرفته و به صفات و خصلت‌های امیرالمؤمنین به‌عنوان قطب فتوت و سرمشق جوانمردان پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

فتوت، جوانمردی، سیره و کلام حضرت علی (ع)، مروت.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، نویسنده مسئول:

aazrrnn@gmail.com

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران.

پیشگفتار

با تأمل در اندیشه‌ها و سلوک علمی و عملی عالم اسلام و ایرانیان به تفکری برمی‌خوریم که آن را فتوت یا جوانمردی نامیده‌اند. این مسلک دارای جهان‌بینی و اخلاق والایی است؛ همچنین از گروه‌های اجتماعی که تحت تربیت و تعلیم صوفیان قرار گرفتند و بسیاری از آداب و رسوم آنان را حفظ کردند و به‌جای آوردند، فتیان یا جوانمردان و اهل فتوت هستند (سجادی، ۱۳۷۲: ۲۴۴). کلمات جوانمردی (فتوت) و جوانمردان (فتیان) ریشه قرآنی دارد و گواه این ادعاست که آیین فتوت و صفات جوانمردی ریشه در باطن ملکوتی انسان‌های آزاده و موحد دارد. در قرآن و برخی روایات، جوانمردان را پنج تن معرفی کرده‌اند: در قرآن کریم لفظ فتی برای اولین بار در مورد حضرت ابراهیم (ع): «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» (انبیاء، ۶۰) و بار دوم به نام حضرت یوسف (ع): «تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ» (یوسف، ۳۰) و بار سوم در مورد حضرت یوشع ابن نون: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ» (کهف، ۶۰) و بار چهارم به اصحاب کهف: «إِذْ أَوْىءَ الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ» (کهف، ۱۰) اطلاق گردیده و پنجم بنا بر اقوال مشهور، حضرت علی (ع) است که پیامبر (ص) در حق وی فرمود: «افتیکم علی». حضرت علی (ع) در دامان پیامبر (ص) رشد و نمو یافتند و به مبانی عالی فتوت و جوانمردی که در باطن قرآن نهفته بود آشنا شد. جوانمردان مسلمان و شیعیان آن حضرت بویژه ایرانیان مسلمان با الهام از تعالیم قرآنی و سیره زندگی حضرت ختمی مرتبت (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) لفظ فتوت را همانند لفظ جوانمردی پذیرا شدند، باینکه جوانمردان و پهلوانان ایرانی تعصب خاصی به حفظ سنن و آرمان پهلوانی ملی خود داشتند ولی لفظ قرآنی فتوت به احترام و تأثیر عمیق اسلام وارد سنت‌های این آیین شده و بشدت در هم ممزوج گردید.

در فتوت‌نامه‌ها از مردان بسیاری به‌عنوان جوانمرد سخن گفته شده است. اگرچه افرادی مانند حضرت ابراهیم، حضرت یوسف، حضرت موسی و حضرت محمد (ص) در سلک جوانمردان به‌عنوان پیامبران الهی بر حضرت علی (ع) تقدم زمانی دارند اما بعد از اسلام همواره نام آن حضرت به‌عنوان اسوه و پیشرو جوانمردان یاد شده و در وصف بزرگواری‌ها، مکارم و صفات اخلاقی او سخنان فراوان گفته شده است. او را امام ائمه فتیان و قطب اقطاب جوانمردان نامیده‌اند (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۶۰) و تمام سلسله‌های فتوت اسلامی به او می‌پیوندند. شخص آن رادمرد «منبع عین فتوت» و «معدن جود و مروت» و «قطب مدار فتوت» شمرده می‌شود. حضرت علی (ع) در ایشار و جود و سخا و پرهیزکاری هم بسیار مشهور و در این رابطه وقایع زیادی به او منسوب است (رسایل جوانمردان، ۱۳۷۰: ۶۳)

فتوت آیینی بود که در میان مردم پدید آمده و به پایمردی و پشتیبانی ایشان رشد کرده و موضع اجتماعی مهمی یافته بود. تصوف که خود یک جریان فکری و مکتب تربیتی و فلسفی خاصی در برابر ستمکاری و تجاوز دولت‌های زورگو و ستمگر بود، پس از آنکه راه خود را در میان خواص و مردم درس خوانده باز کرد و نضج و قوام کافی یافت، می‌خواست راه خود را در میان عوام و مردم کوچه و بازار نیز بگشاید. برای این کار آیین فتوت پدید آمد؛ از همین روی علم فتوت را شعبه‌ای از علم تصوف خوانده‌اند. (محبوب، ۱۳۵۰: ۷۷)

تعریف فتوت و مروّت

برای فتوت نیز، مانند تصوف، تعریفی جامع و مانع نمی‌توان یافت و همانگونه که صوفیان هر یک تصوف را به نوعی تعریف کرده‌اند، در مورد فتوت نیز حال بدین منوال است و اقوال مشایخ، صوفیان و جوانمردان در کتب عرفانی و فتوت‌نامه‌ها مختلف و فراوان می‌باشد و هریک آن را به نوعی تعبیر و تفسیر کرده‌اند:

بدان که علم فتوت علمی شریف است، و شعبه‌ای است از علم تصوف و توحید، و اکابر عالم در این علم رساله‌ها ساخته‌اند و در صفت و توجیه کمال او نسخه‌ها پرداخته. (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۵)

بدان که فتوت عبارت است از ظهور نور فطرت و استیلاء آن بر ظلمت نشأت، تا تمامت فضایل در نفس ظاهر شود و رذایل منتهی گردد. (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۲۳)

در رسالهٔ قشیریه آمده است: فضیل گوید: «فتوت اندر گذاشتن عثرات بود از برادران.» همچنین گفته‌اند: «فتوت آن بود که (خویش را) بر کسی فضیلتی نبینی.» ابوبکر وراق گوید: «جوانمرد آن بود که او را خصمی نباشد بر کسی». حارث محاسبی گوید: «جوانمردی آن بود که داد بدهد و داد نخواهد». عمرو بن عثمان الملکی گوید: «جوانمردی خوی نیک است». جنید را پرسیدند از جوانمردی، گفت: «آن است که با درویشان تفاخر نکنی و با توانگران معارضه نکنی.» (قشیری، ۱۳۶۷: ۳۵۵ - ۳۷۷)

«از امیرالمؤمنین پرسیدند که فتوت چیست؟ فرمود که فتوت آن است که هیچ کاری نکنی در نهانی که آشکار نکنی که اگر آشکار شود منفعل گردی و هر آینه این وقتی باشد که سالک خدای را حاضر داند و داند که هرچه می‌کند می‌بیند و این جا گفته‌اند» و در این معنی گفته‌اند:

سرت همه دانای فلک می‌داند کو موی به موی و رگ به رگ می‌داند
گیرم که به زرق خلق را بفریبی با او چه کنی که یک به یک می‌داند

حضرت علی (ع) و خرقه فتوت

فتیان هم مانند صوفیان برای خود پوشش و لباس خاصی داشته‌اند و همگی نیز خرقه خود را به حضرت علی (ع) می‌رسانند. جوانمردان به جای خرقه صوفیان، میان می‌بندند و سروال (شلوار) و سراویل پوشند. ظاهراً شلوار مخصوص ورزشکاران زورخانه نیز نشانی از همین سراویل باشد. (سجادی، ۱۳۷۲: ۲۴۵) به جای خرقه که شعار صوفیان است، فتیان و جوانمردان «سراویل» را شعار خود کرده و هر یک کمر بسته شخصی که او را پیر شد (کمر بستن) می‌خواندند، بوده‌اند و سراویل اهل فتوت مانند سند خرقه به امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. پس از اسلام جوانمردان و ورزشکاران زورخانه‌ای نیز نسبت خرقه و پوشش خود را به مولای متقیان می‌رسانند. در فتوت‌نامه‌ها ۱۷، ۱۳، ۷ و گاهی ۴ سلسله فتوت را ذکر کرده‌اند. در تحفه‌الاخوان کاشانی سلمان فارسی و حذیفه یمانی به‌عنوان دو جانشین علی (ع) در طریق فتوت ذکر گردیده‌اند. (محمد ریاض، ۱۳۸۲: ۳۶) اهل فتوت در «میان بستن» به حضرت علی (ع) تأسی می‌جویند و بر این باورند که: «علی (ع) چهار خلیفه را در فتوت تعیین نمود. سلمان فارسی را مأمور مدائن نمود و فتیان ماوراءالنهر و خراسان و طبرستان و عراق عجم و عرب باید با وی استناد بجویند. ابوالمحن ثقفی مأمور یمن بود و فتیان یمن و عدن و بربر و هندوچین نسبت به وی دارند. سهیل رومی به روم فرستاده شد به راهنمایی فتیان روم و غرب آذربایجان. و داوود مصری (صوفی قرن سوم هجری) راهبر فتیان اسکندریه و حلب و همه مصر است». (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۲۲) اهل فتوت راه خود را راه علی (ع) می‌شمارند و محبت ولایتی علی (ع) و اهل بیت را بزرگترین فضیلت و فرضیه می‌پذیرند، محبت اهل بیت در میان اهل فتوت یک شعار است و اعتقاد به اینکه فتوت از پیامبر (ص) به علی (ع) رسیده است، اعتقادی اساسی است. (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۷۵) بنابراین شرب قدح (آب و نمک) و میان بستن و پوشاندن سروال که در میان فتیان متداول است رسمی است که از نبی و ولی مانده است و جوانمردان همه پیرو ساقی کوثرند و هرچه یافته‌اند از متابعت او یافته‌اند.

لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

درباره حدیث «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» مطالب و توجیهاات متعددی در فتوت‌نامه‌ها ذکر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: در غزوه احد حضرت مولای متقیان علی (ع) فتی خوانده شد و آنچنان بود که رسول اکرم (ص) درفش را به علی سپرد و او با جمعی از یاران بزرگوار رسول روی به جنگ آوردند و چنین روایت شده است که چون در روزگار احد کار جنگ بالا گرفت و حمله و کشتار شدت یافت رسول اکرم (ص) در زیر علم انصار نشست و علی را فرمود تا رایت اسلام را به پیش ببرد. علی چنین کرد و در میان صفها ندا در داد «انا ابوالقاصم» و

چندان دلیرانه به مبارزه و مقاتله پرداخت که در حق او گفته شد: «لا فتی الا علی» این روایت را صاحب فردوس المجاهدین در کتاب خویش آورده است. ظاهراً قسمت دوم این عبارت یعنی «الاسیف الا ذوالفقار» مدتی بعد به قسمت اول افزوده شده است. (محبوب، ۱۳۵۰: ۹)

در سیره ابن هشام آمده است که عبارت «لا فتی الا علی» را هاتفی آسمانی در روز جنگ احد گفته است و مردم آن را شنیده‌اند. وجه دیگر آن است که عبارت مذکور را به همگنان علی (ع) نسبت دهیم که از مشاهده جهاد و چابکی و دلاوری بی‌مانند علی (ع) این جمله را بر زبان رانده‌اند. و گفته‌اند: چنان مبارزه و جنگ کرد که درباره وی گفته شد: «لا فتی الا علی» و به دنبال آن گفته‌اند: چون شمشیر مشهور به ذوالفقار از راه وصایت و وراثت به علی (ع) منتقل شد از طرف برگزیدگان و نیاکان این جمله بر سر مقامات افزوده شد: «الاسیف الا ذوالفقار» (کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۱۴) و نیز گفته‌اند که شمشیر منبه بن حجاج بود که به روز بدر کشته شد و آن شمشیر را رسول برای خویش برگزید و در غزوه احد به علی بن ابی طالب عطا فرمود (فرهنگ معین، ج ۵: ۵۶۲)

فتوت و جوانمردی در سیره و کلام امام علی (ع)

حضرت در سیر زندگی خویش در تمامی میادین علمی و عملی با شجاعت و سلحشوری تام و دور از آلودگی‌های دنیوی و در کسوت مردانگی درس پهلوانی و جوانمردی و اخلاق و شجاعت توأم با عرفان ناب قرآنی را به آزادگان جهان دادند. همچنین فتیان و جوانمردان در تأثیر از اندیشه‌های شیعی، ادبیات و فرهنگ باستانی خود را با ادبیات، فرهنگ و سنن قرآنی و شیعی آمیخته کردند.

حضرت علی (ع) خود ابتدا عامل بود و سپس به مردم توصیه به عمل می‌کرد. او همچنین از زشتی‌ها پرهیز می‌کرد و آنگاه مردم را از آن بر حذر می‌داشت. ایشان فرموده‌اند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي، وَاللَّهِ، مَا أَحْتَكُمُ عَلَي طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» «ای مردم سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آن که پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن ترک گفته‌ام». (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵)

نام علی (ع) به سبب دو خصیصه او مورد نظر فتوت‌نامه‌ها قرار گرفته است: اول به سبب این که او واقعاً واجد ملکه فتوت بود و در طول حیات مبارکش انحرافی از او ظاهر نشد. دوم این که سخنان حکمت‌آمیزش بنیانی بود برای فتوت‌نامه‌ها. (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱)

حضرت علی (ع) به جهت شجاعت و صلابت در میادین جنگ و همچنین احاطه در علوم و فنون و سیر و سلوک واقعی به سرور فتیان عالم ملقب گردیدند. در قرآن کریم به ایشار حضرت

علی(ع) و فاطمه (س) اشاراتی رفته است، (البقره: ۲۰۷، الحشر: ۹، الدهر: ۸ و ۹).

در فتوت‌نامه‌ها و کتابهای صوفیه از حضرت علی(ع) با عناوین و القاب مختلفی مانند: علی المرتضی، ولی الله، حیدر کرار، شاه مردان، شیرحق، ساقی کوثر، شیر خدا، شاه نجف: صفدر، مولا، شاه اولیا، شاه دین، شاه ولایت و ... یاد شده است. (میر عابدینی و افشاری، ۱۳۷۴: ۴۸۳)

براساس روایات همه جوانمردان در طول تاریخ و همه پیروان آئین فتوت چه اهل دین بوده‌اند و چه بد اخلاق و فتنه‌انگیز (فتیان، عیاران، شاطران، اخی‌ها و به خصوص علویان، بکتاشیان که در واقع مذهب جعفری را پذیرفته‌اند) به علی(ع) احترام بسیار می‌گذاشته‌اند. فتیان علی را «فتی المطلق، (شاه مردان)» می‌خوانند.

حضرت علی(ع) را مرجع و مآل سلسله‌های تصوف و فتوت دانسته‌اند، و شاعران نیز به نوبه خود در وصف فضائل اخلاقی و جوانمردی آن حضرت اشعاری را سروده‌اند. مولانا جلال‌الدین در دفتر اول مثنوی در داستان: (گفتن پیغمبر به گوش رکابدار امیرالمؤمنین علی علیه السلام که هرآینه کشتن علی به دست تو خواهد بود) - از قول حضرت امیر او را (فتی بن الفتی) خوانده است: (مثنوی، دفتر اول: ۱۷۰-۱۷۶) و استاد سخن سعدی شیرازی در ابیاتی شیوا خصائل آن حضرت را بدینگونه به تصویر می‌کشد:

جوانمرد اگر راست خواهی ولی است	کرم پیشه شاه مردان علی است
کس را چه زور و زهره که وصف علی کند	(بوستان سعدی، ص ۸۳)
زورآزمای قلعه خیبر که بند او	جبار در مناقب او گفته هل اتی
مردی که در مصاف زره پیش بسته بود	در یکدگر شکست به بازوی لافتی
شیر خدای و صفدر میدان و بحر جود	تا پیش دشمنان ندهد پشت بر غزا
دیباچه مروّت و سلطان معرفت	جانبخش در نماز و جهانسوز در وغا
	لشکرکش فتوت و سردار اتقیاء
	(سعدی، قصاید، ۱۳۷۲: ۸۴)

در این پژوهش برای شناخت فتوت و جوانمردی حضرت علی(ع) علاوه بر بیان نمونه‌هایی از سیره جوانمردی آن حضرت که در فتوت‌نامه‌ها و ... آورده‌اند؛ شرایط، نشانه‌ها، اصول، آیین و ثمره جوانمردی از منظر حضرت علی(ع) به عناوین گوناگون در مستندات کتب عرفانی، سیره‌نویسان و فتوت‌نامه‌ها و همچنین در کتابهایی چون نهج‌البلاغه، غررالحکم و دررالکلم، میزان‌الحکمه و ... نقل گردیده و اصول و خصایصی را برمی‌شمارند که جوانمردان باید بدان آراسته باشند و صفاتی را بیان

می‌کنند که باید از آنها اجتناب نمایند که مهمترین آنها را در این نوشتار نقل می‌کنیم:

اصول و مبانی فتوت

هر تفکر و منشی، بنیاد و اصلی دارد. قطب این طریقت و مدار این فضیلت، امیر المومنین علی (ع)، اصول و مبانی فتوت را حداقل در هشت خصلت می‌داند و فرموده‌اند: «أَصْلُ الْفُتُوَّةِ الْوَفَاءُ وَ الصِّدْقُ وَ الْأَمْنُ وَ السَّخَاءُ وَ التَّوَضُّعُ وَ النَّصِيحَةُ وَ هِدَايَةُ وَ تَوْبَةُ وَ لَا يَسْتَأْهِلُ الْفُتُوَّةَ إِلَّا مَنْ يَسْتَعْمِلُ هَذِهِ الْخِصَالَ» «اصل فتوت، وفا و صدق و امن و سخا و تواضع و نصیحت و هدایت و توبه است و هر که مستعمل این خصال نباشد مستحق اسم فتوت نبود». (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۳۴)

نشانه‌های فتوت

حضرت علی (ع) سه چیز را از نشانه‌های فتوت و مردانگی می‌داند: «يُسْتَدَلُّ عَلَى مُرُوَّةِ الرَّجُلِ بِبَيْتِ الْمَعْرُوفِ وَ بَذْلِ الْإِحْسَانِ وَ تَرْكِ الْأَمْتِنَانِ» چند چیز بر مروّت آدمی دلالت می‌کند: تلاش در رواج کارهای خوب، نیکوکاری، منت نهادن. «میزان‌الحکمه، ج ۲: ۱۱۴»

عفت و پاکدامنی

علاوه بر اصول و مبانی فوق در جایهای دیگر پاکدامنی را اساس و نیز ثمره جوانمردی می‌داند: «الْعِفَّةُ أَصْلُ الْفُتُوَّةِ» «پاکدامنی اساس جوانمردی است». «میزان‌الحکمه، ج ۶: ۳۵۹» «أَصْلُ الْمُرُوَّةِ الْحَيَاءُ وَ ثَمَرَتُهَا الْعِفَّةُ» «اساس جوانمردی حیا و ثمره آن پاکدامنی است». (همان، ج ۹: ۱۱۵)؛ همچنین در نهج‌البلاغه درباره ارزش و پاداش پاکدامنی، عقیف و پاکدامن را هم‌پایه مجاهد شهید و همشأن فرشته‌ها می‌داند و می‌فرماید: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا بزرگ‌تر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد. همانا عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست». (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۷۴) و نیز از کلام آن حضرت است که: «يُسْتَدَلُّ عَلَى الْمُرُوَّةِ بِكَثْرَةِ الْحَيَاءِ وَ بَذْلِ النَّدَى وَ كَفِّ الْأَذَى» «برای مروّت و آدمیت به بسیاری شرم و حیا و بذل احسان و عطا و بازداشتن آزار و اذیاء استدلال شده است». «میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۴» چنانکه از روایت استفاده می‌شود آزار دادن دیگران، به دور از جوانمردی و انسانیت می‌باشد.

بخشیدن به نیازمندان

اطعام یتیمان و عطا به نیازمندان از صفات معروف حضرت علی (ع) است که خود در این باره می‌فرماید: «ثَلَاثٌ هُنَّ الْمُرُوَّةُ: جُودٌ مَعَ قَلْبِهِ وَ احْتِمَالٌ مِنْ غَيْرِ مَذَلَّةٍ وَ تَعَفُّفٌ عَنِ الْمَسْأَلَةِ» «سه چیز است که عین مروّت است: بخشش در حال تنگدستی، تحمل و صبوری بدون آن‌که انسان زیر بار ذلت برود و خود داری از خواهش و درخواست». (غررالحکم، ج ۳: ۳۳۹) و نیز در باره مسؤولیت

توانگران در برابر نیازمندان و اینکه نباید ثروت را فقط از آن خود و فقر را از آن دیگران بدانند، یکی از شرایط تداوم نعمت و ثروت را بخشیدن به نیازمندان می‌داند و می‌فرماید: «مَعَ الثَّرْوَةِ تَطْهَرُ الْمَرْؤَةُ» «جوانمردی، هنگام دارایی آشکار می‌شود». «غررالحکم، ج ۶: ۱۲۰» و بار دیگر در نهج‌البلاغه از آن بزرگوار نقل شده است که: «خدا را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران، نعمتهای خاصی به آنان بخشیده تا آنگاه که دست بخشنده دارند نعمتها را در دستشان باقی می‌گذارد، هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمتها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۵)؛ همچنین آن حضرت در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) بخشیدن به نیازمندان را توشه‌ای برای آخرت می‌داند: «... بدان! راهی بس طولانی و پرمشقت در پیش داری و نیز بدان در این راه از کوشش صحیح، تلاش فراوان، و اندازه‌گیری توشه و راحله به مقدار کافی بی‌نیاز نخواهی بود، و با توجه به اینکه باید در این راه سبکبار باشی، بیش از تاب و تحمل خود بار بر دوش مگیر! که سنگینی آن برای تو وبال خواهد بود و هرگاه نیازمندی را یافتی که می‌تواند زاد و توشه تو را تا رستخیز بر دوش گیرد و فردا که به آن نیازمند شوی به تو پس دهد آن را غنیمت بشمار و این زاد را بر دوش او بگذار، و اگر قدرت بر جمع‌آوری چنین زاد و توشه‌ای را داری هر چه بیشتر فراهم ساز و همراه او بفرست، چرا که ممکن است روزی در جستجوی چنین شخصی برآئی ولی پیدایش نکنی. هنگامی که بی‌نیاز هستی اگر کسی قرض بخواهد غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی‌ات ادا نماید؛ بدان که پیش روی تو گردنه‌هایی صعب‌العبور وجود دارد (که برای عبور از آنها) سبکباران حالشان به مراتب بهتر از سنگین‌باران است. و کندروان حالشان بسیار بدتر از سرعت‌کنندگان؛ بدان که نزول تو سرانجام یا در بهشت است یا در دوزخ بنابراین برای خویش پیش از رسیدنت به آن جهان وسائلی مهیا ساز و منزل را پیش از آمدنت آماده نما؛ زیرا پس از مرگ عذر پذیرفته نمی‌شود و راه بازگشتی بدنیا وجود ندارد». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

سیرت و طریقت جوانمردان آن است که مصطفی (ص) به علی (ع) گفت: یا علی! جوانمرد راستگو بود و وفادار و امانت‌گزار و رحیم دل، درویش وار و پرعطا و مهمان‌نواز و نیکوکار و شرمگین

راستگویی و نیکوکاری

هر اندازه که مروّت انسان‌ها زیادت‌ر باشد صداقت و پاکی و نیکوکاری او نیز بیشتر است. راستگویی یکی از مهمترین اصول جوانمردی در این طریقت است به‌طوری‌که حضرت علی (ع) دروغ‌گویی را به شدت نکوهش می‌نمایند و راستگویی و صداقت را ملاک، اساس و مایه‌مردی و زینت انسان می‌داند و می‌فرماید: «لَا مَرْؤَةٌ لِكَذُوبٍ» «دروغ‌زن را مردی محال است.» (کاشانی، ۱۳۹۶:

(۲۵۱)، «مِلاکُ الْمَرْوَةِ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ بَدْلُ الْاِحْسَانِ» «ملاک مروّت، راستگویی و نیکوکاری است». (غررالحکم، ج ۶: ۱۴۸) «المروة الرجلُ صدقُ لِسَانِهِ» «مروّت مرد در راستگویی اوست». (همان، ج ۶: ۱۳۵) «الْصِّدْقُ رَأْسُ الْاِيْمَانِ وَ زَيْنُ الْاِنْسَانِ» «صداقت و راستگویی، ریشه و اساس ایمان و زینت برای انسان می باشد». (همان: ج ۲: ۱۰۷) «بِالصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ تَكْمُلُ الْمَرْوَةُ لِأَهْلِهَا» «با راستی و وفاء به عهد، مروّت و جوانمردی انسان کامل می گردد». (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۶)

حفظ دوستی و جوانمردی

آن حضرت با ارزش ترین ادب را حفظ جوانمردی می داند و حفظ و تداوم دوستی را بهترین نوع جوانمردی برمی شمارند و بر آن بسیار تأکید دارند. «أَفْضَلُ الْأَدَبِ حِفْظُ الْمَرْوَةِ» «با ارزش ترین ادب حفظ جوانمردی است». (غررالحکم، ج ۲: ۳۹۶) «عاجزترین مردم کسی است که از انتخاب دوست و یافتن برادر ناتوان باشد، و ناتوان تر از او کسی است که دوستان خود را نتواند نگه دارد.» (نهج البلاغه: حکمت ۱۱).

همچنین در جایگاهی دیگر حفظ و تدام دوستی را در مبحث فتوت بدینگونه بیان فرموده اند: «احسن المروه حفظ الودّة» بهترین جوانمردی حفظ و تداوم دوستی است. (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۶) «...وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ اِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعِ» «و بر شما لازم است پیوندهای دوستی و محبت را محکم دارید و بذل و بخشش را فراموش نکنید، و از پشت کردن به هم و قطع رابطه برحذر باشید.» (نهج البلاغه: نامه ۴۷) «لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فُتَعَادِي صَدِيقَكَ، ... وَ اِنْ اُرِدْتَ قَطِيعَةَ اُخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ اِلَيْهَا اِنْ بَدَا لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا مَا، وَ مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدِّقْ ظَنَّهُ، وَ لَا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ اُخِيكَ اِتْكَالًا عَلَيَّ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ، فَاِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِاُخٍ مَنْ اَضَعْتَ حَقَّهُ ...» «هرگز دشمن دوست خود را به دوستی مگیر، که با اینکار با دوستت به دشمنی برخاسته ای ... اگر خواستی پیوند برادری و رفاقت را ببری جای دستی برایش باقی بگذار که اگر روزی خواست بازگردد و بار دیگر با تو دوست شود، بتواند. کسی که به تو گمان نیکی برد با (عملت) گمانش را تصدیق کن. هیچگاه به اعتماد رفاقت و یگانگی که بین تو و برادرت هست حق او را ضایع مکن. زیرا آنکه حقش را ضایع می کنی با تو برادر نخواهد بود....» (همان: نامه ۳۱) در بسیاری از روایات دوستی با چندین شخص از جمله: فاسق، بخیل، کذاب، احمق و قاطع رحم توصیه نشده و پرهیز از آنها سفارش شده است، بنابراین دوستی و تداوم آن در مسلک فتیان شامل افراد فوق نمی شود.

مروّت جامع همه فضیلتها

پیشوای شیعیان و قطب جوانمردان، فتوت و جوانمردی را دربرگیرنده همه خصلت های خوب

انسانی و دینی می‌داند و می‌فرماید: «الْمَرْوَةُ إِسْمٌ جَامِعٌ لِسَائِرِ الْفَضَائِلِ وَالْمَحَاسِنِ» «مروّت، نامی است جامع همه فضیلت‌ها و خوبی‌ها» «غررالحکم، ج ۲: ۱۵۸» امام علی (ع) رزم‌آوری شجاع و بی‌باک بود، هم‌اوردجویی او در میدانهای نبرد و فرازمندی او در نبردها شهره تاریخ است. این که حکومت امام علی (ع) با وجود کوتاهی، یکسر به جنگ و نبرد داخلی با توطئه‌گران گذشت بسی تأسف آور است؛ اما سیره او در این نبردها سرشار از آموزنده‌های نظامی و نگرشهای انسانی است. در فرهنگ علوی جنگ، برای دفاع از کیان مکتب و در جهت دفع ظلم و رفع ستم است. او که شمشیر از پی حق می‌زد نمی‌توانست در دشوارترین لحظات نبرد و در سخت‌ترین لحظات جنگ، از اصول اخلاقی و بنیادهای انسانی غافل بماند. جهاد و نبردش نیز مقدمه حب الهی و زمینه نزدیک شدن به خدا و گامی در جهت تحقق آرمانهای الهی و ارزشهای انسانی بود. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۷۷ - ۸۶) همچنین از امام شیعیان نقل شده که جوانمردی انسان‌ها را به سوی صفات والا سوق می‌دهد: «الْمَرْوَةُ تَحْتُ عَلَى الْمَكَارِمِ» «مروّت، آدمی را به صفات عالی بر می‌انگیزاند». «غررالحکم، ج ۱: ۳۴۲»

مروّت بهترین جلوه دین

از سخنان پیشوای فطیان است که: «مِنْ أَفْضَلِ الدِّينِ الْمَرْوَةُ وَ لِأَخَيْرِ فِی دِینِ لَيْسَ لَهُ مَرْوَةٌ» «مروّت، از فضیلت‌های هر آیینی است و هر آیینی که مروّت ندارد، خیری در آن نیست». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۷ و نیز غررالحکم، ج ۶: ۳۲) اینکه ایشان در اینجا لازمه خیر در دین را جوانمردی می‌داند، نشان از دانش خدادادی و علم والای آن حضرت است و گفته‌هایش چراغ هدایت ما انسانهاست، چنانکه می‌فرمایند: «به خدا سوگند، تبلیغ رسالت‌ها، وفای به پیمان‌ها، و تفسیر اوامر و هشدارهای الهی به من آموزش داده شده است. درهای دانش و روشنایی امور انسان‌ها نزد ما اهل بیت پیامبر (ص) است. آگاه باشید که قوانین دین یکی و راههای آن آسان و راست است». (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۰)

خوشرویی و حُسن اخلاق

حُسن خُلق و گشاده‌رویی یکی دیگر از مهمترین ارکان فتوت است که امیرالمؤمنین (ع) در بحث حُسن خُلق و خوشرویی می‌فرمایند: «أَوَّلُ الْفُتُوهِ الْبُشْرُ وَ آخِرُهَا اسْتِدَامَةُ الْبِرِّ» «ابتدای جوانمردی خوشرویی و پایان آن ادامه نیکی است». (غررالحکم، ج ۲: ۴۶۰) همچنین در جایی دیگر از ایشان نقل شده است: «أَوَّلُ الْمَرْوَةِ طَلَاقُ الْوَجْهِ، وَ آخِرُهَا التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ» «آغاز مردانگی، گشاده‌رویی است و انجام آن، دوستی نمودن با مردم». (همان، ج ۲: ۴۵۹) بنابراین خوشرویی را موجب دوستی

او با مردم و بالعکس می‌داند. احمد افلاکی در مناقب‌العارفین درباره حسن اخلاق و فتوت حضرت علی (ع) از زبان مولانا جلال‌الدین بلخی واقعه ذیل را نقل کرده است:

مولانا وقتی که جوان نامؤدبی را در جایی بلندتر از پیران نشسته دید، به بیان این روایت پرداخت که: «روزی اسدالله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه به نماز صبح به مسجد رسول می‌رفت. در میانه راه دید که پیرمردی یهودی پیش می‌رود. امیرالمؤمنین از آنجا که فتوت و مروت و حسن اخلاق او بود، محافظت ادب پیر کرده، پیش نگذشت و آهسته آهسته در پی او می‌رفت. چون به مسجد رسول رسید حضرت مصطفی علیه السلام به رکوع رکعت اول خمیده بود. در حال به امر جلیل، جبریل در رسیده دست بر پشت مبارک رسول نهاد تا ساعتی توقف کند که علی مرتضی از ثواب رکعت اول نماز صبح محروم نشود». (مناقب‌العارفین، ج ۱: ۱۱۲-۱۱۳)

فرمانبرداری خداوند و تقوا

حضرت علی (ع) تقوا و پرهیزگاری را در رأس همه ارزشهای اخلاقی معرفی می‌نماید (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۱۰) و نیز در باب اطاعت از خدا و تقوا می‌فرماید: «از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید، زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسؤول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سرباز نزنید، اگر خیری دیدید برگزینید و اگر شرّ و بدی دیدید از آن دوری کنید. (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۹) ایشان همچنین در مبحث فتوت، پرهیزگاری و دوری از زشتیها را نتیجه و نهایت فتوت می‌دانند: «أَوَّلُ الْمُرُوَّةِ طَاعَةُ اللَّهِ وَ آخِرُهَا التَّنَزُّهُ عَنِ الدُّنْيَا»: ابتدای مروت طاعت خداوند و نهایت آن دوری از زشتیهاست. (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۵)

صله رحم

صله رحم یکی از صفات و اخلاق خاص مسلمانان است که همواره مورد توجه دین مبین اسلام و ائمه (ع) قرار گرفته است، به طوری که در قرآن کریم سوره البقره آیه ۲۷، رعد آیه ۲۵، و سوره محمد آیه ۲۳ و ۲۴ بر قاطع رحم لعنت فرستاده شده است. بنابراین در مسلک پیشوای جوانمردان نیز بسیار اهمیت دارد و در منابع گوناگون روایات و احادیث فراوان در این مورد از آن حضرت نقل شده است: «مِنْ أَفْضَلِ الْمُرُوَّةِ صِلَةُ الرَّحِمِ» «از برترین جوانمردیها صله رحم است». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۶) «...وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاطُعَ» «...و بر شما لازم است پیوندهای دوستی و محبت را محکم دارید و بذل و بخشش را فراموش نکنید و از پشت کردن به هم و قطع رابطه برحذر باشید». (نهج‌البلاغه: نامه ۴۷) و نیز از آن حضرت است که: «أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أُخِيكَ عِنْدَ صَرَمِهِ عَلَى الصَّلَةِ، وَعِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَالْمَقَارَبَةِ، وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبُدْلِ وَعِنْدَ تَبَاغُدِهِ

عَلَى الدُّنْيَا، وَعِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللِّينِ، وَعِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعَدْرِ، حَتَّى كَانَتْ لَهُ عِبْدَةٌ، وَكَانَتْهُ دُونَ نِعْمَةٍ عَلَيْكَ». در برابر برادرت این مطالب را بر خود تحمل کن: به هنگام قطع رابطه از ناحیه او تو پیوند نما، و هنگام قهر و دوریش، لطف و نزدیکی. در برابر بخلش، بذل و بخشش. در زمان دوریش، نزدیکی، به هنگام سخت گیریش نرمش، به هنگام جرمش قبول عذر، آنچنانکه گویا تو بنده او هستی. و او صاحب نعمت تو است. (همان: نامه ۳۱)

عدل و احسان

عن عمرو بن عثمان التَّمِيمِي قَالَ خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ وَهُمْ يَتَذَكَّرُونَ الْمُرُوءَةَ فَقَالَ: «أَيْنَ أَنْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» قَالُوا: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي أَيِّ مَوْضِعٍ» فَقَالَ: «فِي قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ فَالْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» عمرو بن عثمان نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد اصحاب خود رفت و ایشان مشغول به صحبت در مورد جوانمردی بودند، حضرت علیه السلام پرسیدند: شما در کجا بسر می برید مگر کتاب خدا را ندیده اید؟ اصحاب پرسیدند: یا امیرالمؤمنین در کجای کتاب خدا؟ فرمودند: در گفته خداوند؛ (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) که عدل انصاف است و احسان تفضل است. (وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۴۳۴) همچنین آن حضرت عدل و احسان را از دلایل جوانمردی می دانند: «يَسْتَدِلُّ عَلَى الْمُرُوءَةِ بِكَثْرَةِ الْحَيَاءِ وَبَدَلِ النَّدَى وَكَفِّ الْأَذَى» «برای مروّت و آدمیت به بسیاری شرم و حیا و بذل احسان و عطا و بازداشتن آزار و ایذاء استدلال شده است. چنانکه از روایت استفاده می شود آزار دادن دیگران، به دور از جوانمردی و انسانیت می باشد». (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۴) همچنین از شاه ولایت است که: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ، فَلَا تُغْبُوا أَفْوَاهَهُمْ، وَلَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ» «خدا را! خدا را! در مورد یتیمان، نکند آنها گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند، نکند آنها در حضور شما در اثر عدم رسیدگی از بین بروند!» (نهج البلاغه: نامه ۴۷) «...وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ...» «...و بر شما لازم است پیوندهای دوستی و محبت را محکم دارید و بذل و بخشش را فراموش نکنید...». (همان: نامه ۴۷)

جوانمردی زیباترین زینت انسان

مروّت از آنجا که انسان را از صفات نکوهیده و زشت بازمی دارد و او را به سوی محاسن سوق می دهد، از منظر امام شیعیان زیباترین زینت انسانها معرفی شده است: «مَا تَزَيَّنَ الْإِنْسَانُ بِزِينَةٍ أَجْمَلُ مِنَ الْفِتْوَةِ» انسان به زینتی که زیباتر از جوانمردی باشد آرایش نیافته است. (غررالحکم، ج ۶: ۹۶) الْمُرُوءَةُ إِجْتِنَابُ الرَّجُلِ مَا يَسِينُهُ وَكَتْسَابُهُ مَا يَزِينُهُ: مروّت عبارت است از پرهیز از آنچه که آدمی را زشت می کند و به دست آوردن آنچه که آدمی را زینت می دهد. (غررالحکم، ج ۲: ۵۶) در جایی

دیگر امتیاز انسان بر دیگران را در عقل او می‌داند و آراستگی و زیبایی انسان را در جوانمردی او: «مَيْزَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ، وَ جَمَالُهُ مَرْوَتُهُ» «امتیاز آدمی به عقل اوست و زیبایی او به مروّتش». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۱) «حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ كَمَالِ الْمَرْوَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَحْمِلُ بِهِ... وَ مِنْ عَقْلِهِ إِنْصَافُهُ مِنْ نَفْسِهِ...» «گوهر مرد از کمال جوانمردیش آن است که آنچه وی را نیکو نمی‌گرداند ترک کند و... از عقل و خردمندیش آن است که از خویشتن انصاف به خرج دهد...» (بحارالانوار، ج ۷۵: ۸۰)

دوری از ریا و تزویر

«گروهی با اعمال آخرت، دنیا را می‌طلبند و با اعمال دنیا در پی کسب مقامهای معنوی آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند. گامها را ریاکارانه و کوتاه برمی‌دارند، دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آرایند و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیاطلبی خود قرار می‌دهند. و برخی دیگر با پستی و ذلّت و فقدان امکانات، از به دست آوردن قدرت محروم مانده‌اند، که خود را به زیور قناعت آراسته و لباس زاهدان را پوشیده‌اند. اینان هرگز در هیچ زمانی از شب و روز، از زاهدان راستین نبوده‌اند». (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۲) همچنان‌که در دین مبین اسلام دوری از ریا و تزویر را نکوهش شده در مسلک جوانمردی نیز بدان اشاره شده است که: «جَمَاعُ الْمَرْوَةِ، أَنْ لَا تَعْمَلَ فَيَالَسِّرَ مَا تَسْتَحِبُّ مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ». «نهایت مروّت، آن است که در پنهان کاری نکنی که آشکارا از انجام آن پروا داری». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۴)

مروّت باری است سنگین

شاه ولایت علی (ع) لازمه فتوت و جوانمردی را توان انسان‌ها می‌داند و مروّت را باری سنگین می‌داند: «مَا حَمَلَ الرَّجُلُ حَمَلًا أَثْقَلَ مِنَ الْمَرْوَةِ» «آدمی، باری به سنگینی مروّت بر دوش نکشیده است». (غررالحکم، ج ۶: ۱۲۰)

مروّت همراه با یقین

آن امام همام در لازمه ارزش مروّت را داشتن یقین برمی‌شمارد: «بَحْسَ مَرْوَتِهِ، مَنْ قَلَّ يَقِينُهُ»: کسی که یقینش کم باشد، مروّت او بی‌ارزش است. (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۷)

میزان مروّت عقل است

عقل ودیعه‌ای است الهی که ره‌آورد آن نشان دادن راه رستگاری انسان است. شاه مردان می‌فرمایند: «عَاقِلٌ بِأُحْشَمِ دَلِّ سِرَانِجَامِ كَارٍ رَا مِي نَكْرِد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵۴) از سخنان آن حضرت است که: «مَرْوَةُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. مَرْوَتُ هَرِّ كَسٍّ، بِهٖ قَدْرُ عَقْلٍ وَ انْدِيْشَهٗ اَوْسَتْ». (غررالحکم، ج ۶: ۱۲۸)

اصلاح ذات‌البین

حضرت علی (ع) اصلاح بین مردم را از دیگر صفات جوانمردی می‌داند و آن را از زبان پیامبر برتر از نماز و روزه معرفی می‌نماید. «أَوْصِيكُمْ، وَجَمِيعَ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ، وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ، وَصَلَحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ الصَّيَامِ» «من شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیت نامه‌ام به آنها می‌رسد به تقوا و ترس از خداوند، نظم امور خود، و اصلاح ذات‌البین، سفارش می‌کنم! زیرا که من از جد شما -صلی الله علیه و اله- شنیدم می‌فرمود: اصلاح بین مردم از نماز و روزه برتر است». (نهج‌البلاغه: نامه ۴۷) چنانچه به این توصیه پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در جامعه عمل شود آن وقت شاهد رفع بسیاری از مشکلات بین مردم خواهیم بود؛ مشکلاتی که زینده یک جامعه ایرانی - اسلامی نیست.

وفای به عهد

پیمان‌شکنی همواره از صفات نکوهیده در جوانمردی بوده است، چنانکه شاه ولایت نیز می‌فرماید: «الْمَرْوَةُ إِجْرَاؤُ الْوَعْدِ» «مروت، عمل کردن به وعده است». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۲) «لَمْ يَنْصِفْ بِالْمَرْوَةِ مَنْ لَمْ يَرِعْ ذِمَّةَ أَوْلِيَائِهِ، وَ يُنْصِفُ أَعْدَاءَهُ» «از صفت مردانگی به دور است کسی که پیمان با دوستان خود را رعایت نکند و با دشمنانش انصاف نداشته باشد». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۷)

دادگری و عفو و بخشش

از مهم‌ترین شاخصه‌های فتوت، عدالت و دادگری، گذشتن از لغزش‌های یاران، عفو و بخشش است. امیر المومنین (ع) را پرسیدند که از جود و عدل کدام فاضل‌تر؟ فرمود که: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا، وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ، فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا. عدالت هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد ولی سخاوت آنها را از مسیرش فراتر می‌برد عدالت، قانونی همگانی است ولی سخاوت جنبه خصوصی دارد بنابراین عدالت شریفتر و برتر است. (نهج‌البلاغه: حکمت ۴۳۷) در جایی دیگر دادگری در حکومت و گذشت در زمان قدرت را عین مردانگی دانسته‌اند: الْمَرْوَةُ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ، وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ، وَ الْمَوْاسَاةُ فِي الْعِشْرَةِ: مردانگی، دادگری در حکومت است و گذشت در عین داشتن توانایی [بر انتقام] و داشتن حسن همدردی در زندگی (غررالحکم، ج ۲: ۲۱۱)، المبادرة الی العفو من اخلاق الکرام، المبادرة الی الانتقام من اخلاق اللئام: سرعت در عفو از اخلاق مردان بزرگ و شتاب در انتقام گرفتن از اخلاق فرومایگان است. (میزان‌الحکمه، ج ۸: ۳۶۷)؛ لیس من شیم الکرام تعجیل الانتقام: سرعت در انتقام گرفتن از اخلاق انسانهای بزرگواری نیست. (غررالحکم، ج ۵: ۸۱)؛ الکریم من جازی الاسائه

بالاحسان: جوانمرد کسی است که بدی را با نیکی پاسخ دهد. (میزان الحکمه ج ۸: ۳۶۵) الفتوة نائلٌ مَبذولٌ، و أذىٌ مَكفوفٌ؛ جوانمردی [به]بخشندگی و نیاززدن مردم است. (غررالحکم، ج ۲: ۱۵۶) نظامُ الفتوةِ احتمالُ عَثراتِ الإخوانِ، و حُسْنُ تَعَهُّدِ الجيرانِ: نظام مردانگی، تحمل لغزشهای برادران و رسیدگی شایسته به همسایگان است (غررالحکم، ج ۶: ۱۸۵)؛

در زبده الطريق الى الله می خوانیم: «سر جوانمردان امیرالمؤمنین علی - کرم الله وجهه- بود. روزی عبدالرحمن ملجم را گفت: «اناک قاتلی»، گفت: «یا امیرالمؤمنین، مرا بکش تا از این فعل در وجود نیاید.» گفت: «طریق ما آن است که بعد از گناه عفو کنیم، نه پیش از گناه عقوبت.» و فرمود که: «جوانمرد کسیست که در وی شش خصلت باشد: تواضع در دولت، و صبر در محنت، و سخاوت بی منت، و عفو در قدرت، و نصیحت در خلوت، و وفا به عهد.» (رسایل جوانمردان، ۱۳۷۰: ۲۲۱)

رعایت شرم و حیا

«ثلاثٌ فیهنَّ المروءةُ: غَضُّ الطَّرْفِ، و غَضُّ الصَّوْتِ، و مَشْيُ القَصْدِ» «مردانگی در سه چیز است: پائین انداختن نگاه، پایین آوردن صدا و راه رفتن با اعتدال» (غررالحکم، ج ۳: ۳۳۵)؛ «غایه المروءه ان یتحیی الانسان من نفسه» «نهایت مردانگی آن است که انسان از خودش شرم کند». (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰: ۳۳۸) «یَسْتَدَلُّ عَلَى المَرْوَةِ بِکَثْرَةِ الحِیاءِ وَ بَذَلِ النَّدَى وَ کَفِّ الأَذَى» «برای مروءت و آدمیت به بسیاری شرم و حیا و بذل احسان و عطا و بازداشتن آزار و ایذاء استدلال شده است». (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۴)

دینداری

حضرت علی لازمه مروءت را دینداری می داند و می فرماید: «مَنْ لادینَ له لامروءه له، من لامروءه له لاهمه له» «کسی که دین ندارد مروءت ندارد، کسی که مروءت ندارد همت ندارد» (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۷) «والله الله فی القرآن، لا یَسْبِقُکُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَیْرُکُمْ. والله الله فی الصلاة، فَإِنَّهَا عَمُودُ دِینِکُمْ. والله الله فی بیتِ رَبِّکُمْ، لا تُحَلُّوهُ مَا بَقِیتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تُرِکَ لَمْ تُنَاطِرُوا والله الله فی الجِهادِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ وَأَلْسِنَتِکُمْ فی سَبیلِ الله». «خدا را خدا را! در توجه به قرآن، نکند دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند. خدا را خدا را! در مورد نماز چرا که ستون دین شما است. خدا را خدا را! در مورد خانه پروردگارتان، تا آن هنگام که هستید آنرا خالی نگذارید که اگر خالی گذارده شود مهلت داده نمی شوید (و بلائی الهی شما را فروخواهد گرفت)». (نهج البلاغه: نامه ۴۷)

مراقبت از نفس

حضرت علی (ع) رحمت خدا را شامل افرادی می‌داند که با خواسته‌های دل مبارزه کند، مراقب خویش در برابر پروردگار باشند و آرزوهای دروغین دنیایی را طرد و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهند و از گناه بپرهیزد و تقوا را زاد و توشه روز مردن گردانند. و همچنین مراقبت از نفس را در زمره اساس و پایه‌های فتوت قرار داده‌اند: «الصيانة رأس المروءة» «مراقبت نفس در برابر زشتیها پایه و اساس مروءت انسان‌ها را تشکیل می‌دهد». (میزان‌الحکمه، ج ۹: ۱۱۳)

یاری رساندن و دوری از ستم

یکی دیگر از صفات فیتیان و جوانمردان، رحمت و راحت بودن برای خلق خدا و به خلق خدا توجه نمودن است. آن‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْمَرْوَةِ مَوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ بِالْأَمْوَالِ وَ مَسَاوَاتُهُمْ فِي الْأَحْوَالِ» «برترین مردانگی یاری رساندن به دوستان با اموال و مساوات با آنها در تمام حالات زندگی است». (غررالحکم، ج ۲: ۴۶۵) «...وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا، وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» دشمن سرسخت ظالم، و یاور و همکار مظلوم باشید» (نهج‌البلاغه: نامه ۴۷) «لَا تَكُنْ قَوِيًّا عَلَى ضَعِيفٍ» «برای افراد ضعیف، قوی مباش و به آنها زورگویی و ستم مکن». (غررالحکم، ج ۶: ۴۳۶)

موعظه و نصیحت

نصیحت، یعنی نیک‌خواهی خلق خدا و تنبیه ایشان بر طریق برّ و صلاح و ترغیب ایشان در خیرات دنیا و عقبی و تحریضشان بر امور نافع در معاش و معاد و اجزاء امور ضار. (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۵۸) مولای متقیان، موعظه و نصیحت را لازمه اخلاق جوانمردی می‌دانند: «النَّصِيحَةُ مِنَ اخْلَاقِ الْكِرَامِ، الْغَيْشُ مِنَ اخْلَاقِ اللُّثَامِ» «موعظه و نصیحت از اخلاق جوانمردان است، و خیانت و نیرنگ، از خوی لثیمان است» (غررالحکم، ج ۱: ۳۴۲) نیز در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «...وَأَمَّا حَضْرُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ» «نصیحت خالصانه خود را برای برادرت مهیا ساز». (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱)

تلاش و کوشش

آن امام بزرگوار بلند همتی را نتیجه و ثمره صبر و بردباری می‌داند: «بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه آنها بلند همتی است». (نهج‌البلاغه: حکمت: ۴۶۰)؛ همچنین همت و مردانگی را لازم و ملزوم، می‌فرماید: «مَنْ لَا مَرْوَةَ لَهُ لَا هِمَّةَ لَهُ» «آن‌که مروءت ندارد، همت ندارد». (غررالحکم، ج ۵: ۱۹۱) «وَأَعْلَمُ، أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ، وَمَشَقَّةَ شَدِيدَةٍ، وَأَنَّهٗ لَا غَنَىٰ بَكَ فِيهِ عَنِ حُسْنِ الْإِرْتِيَادِ وَقَدْرِ بِلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ، مَعَ خِفَةِ الظَّهْرِ، فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيَّ ظَهْرَكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ، فَيَكُونُ ثِقْلًا ذَلِكُ وَبِالْأَعْلَىٰ عَلَيْكَ...»: «بدان! راهی بس طولانی و پر مشقت در پیش داری و نیز بدان در این راه از کوشش صحیح، تلاش فراوان و اندازه‌گیری توشه و راحله به مقدار کافی بی‌نیاز نخواهی بود». (نهج‌البلاغه،

نامه (۳۱)

انصاف با دشمن

امیرالمؤمنین (ع) با آنکه می دانست قاتلش «ابن ملجم» است، اما متعرض او نشد و قصاص قبل از جنایت نکرد. مردانگی را به حدی رساند که به فرزندش امام مجتبی (ع) فرمود: او که اکنون در اختیار شماست، با او مدارا کنید و اگر من از دنیا رفتم، تنها یک ضربت به او بزنید. و دستور داد از شیر و غذای خودش به او هم بدهند. ایشان خطاب به فرزندانش فرمودند: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، لَا أَلْفَيْتُمْ كَتْمَ خَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا، تَقُولُونَ: قَتَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي. انظُرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ، فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بَضْرِبْتَهُ، وَلَا يُمَثَّلُ بِالرَّجُلِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِيَّاكُمْ وَالْمَثَلَةَ وَلَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ»: ای نوادگان «عبد المطلب» نکند شما بعد از شهادت من، دست خود را از آستین بیرون آورده و در خون مسلمانان فرو برید و بگوئید امیر مؤمنان کشته شد (و این بهانه‌ای برای خون ریزی شود). آگاه باشید بخاطر من تنها قاتلم را باید بکشید. بنگرید! هر گاه من از این ضربت جهان را بدرود گفتم او را تنها یک ضربت بزنید، تا ضربتی در برابر ضربتی باشد، این مرد را مثله نکنید (گوش و بینی و اعضاء او را نبرید) که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: «از مثله کردن بپرهیزید گر چه نسبت بسگ گزنده باشد» (نهج البلاغه: نامه ۴۷)؛ همچنین از کلام آن امام همام است که: «لَمْ يَنْصِفْ بِالْمَرْوَةِ مَنْ لَمْ يَرْعِ ذِمَّةَ أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْصِفْ أَعْدَائَهُ» «کسی که حقوق دوستان خود را مراعات نکند، و با دشمنان خود با انصاف رفتار نکند، مردانگی ندارد». (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۷)

دوری از حرص و دنیاپرستی

حرص و طمع همواره مورد نکوهش دین اسلام و مکتب شیعه بوده است به طوری که امام شیعیان در مورد آن فرموده: «الْحِرْصُ يُزْرِى بِالْمَرْوَةِ» «حرص، مروّت را معیوب می کند». (میزان الحکمه، ج ۹: ۱۱۷) «همانا دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها بازمی دارد. دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی آورند جز آن که دری از حرص به رویشان گشوده و آتش عشق آنان تندتر می گردد...» (نهج البلاغه: نامه ۴۹) درجایی دیگر، طمع را آفت اندیشه می داند و می فرماید: «قربانگاه اندیشه‌ها، زیر برق طمع هاست». (همان: حکمت ۲۱۹)

دست خدا با جوانمردان است

جوانمردان نیز همانند سایر انسان‌ها امکان خطا و لغزش دارند؛ اما مولای متقیان (ع) به مردم سفارش می کند که از خطای احتمالی آنها بگذرند و به کارهای نیکشان توجه داشته باشند چرا که

خداوند یاور آنهاست. «أَقْبِلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَثْرَاتِهِمْ فَمَا يَعْثُرُ مِنْهُمْ عَائِرٌ إِلَّا وَ يَدُهُ بِيَدِ اللَّهِ يَرْفَعُهُ»: «از لغزش‌های افراد جوانمرد، چشم‌پوشی کنید، که کسی از ایشان نمی‌لغزد مگر آن که دست خدا به دست اوست و او را بلند می‌کند». (نهج‌البلاغه: حکمت ۲۰)

نتیجه‌گیری:

فتوت شعبه‌ای از علم تصوف است که راه و رسم‌های آن ساده و عملی و درخور فهم عامه مردم است. از یک دیدگاه چون اصول اخلاقی و الگوهای پرهیزگاری و عفت در فتوت با تصوف زمینه‌های مشترک دارند، بنابراین فتوت شعبه‌ای از تصوف محسوب می‌شود گرچه بعضاً تفاوت‌هایی هم دارند. آنچه که حضرت علی (ع) را برای جوانمردان و اهل فتوت در جایگاه قطب فتوت نشانده، ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت است که در اعمال و کلام آن بزرگوار پدیدار است. نام علی (ع) به سبب دو خصیصه او مورد نظر فتوت‌نامه‌ها قرار گرفته است: اول به سبب این که او واقعاً واجد ملکه فتوت بود و در طول حیات مبارکش انحرافی از او ظاهر نشد. دوم این که سخنان حکمت‌آمیزش بنیانی بود برای فتوت‌نامه‌ها و جوانمردان.

حضرت علی (ع) تقوا و پرهیزگاری را در رأس همه ارزشهای اخلاقی معرفی می‌نمایند، فتوت و جوانمردی را در دینداری و آن را بهترین جلوه دین و زیباترین زینت انسان می‌دانند؛ از منظر ایشان مروت و فتوت از فضیلت‌های آیین و دین است و می‌فرمایند: هر آیینی که مروت ندارد، خیری در آن نیست؛ فتوت و جوانمردی را دربرگیرنده همه خصلت‌های خوب انسانی و دینی معرفی می‌کنند؛ مروت را باری سنگین و جامع همه فضیلتها و یقین را نشانه ارزش مروت می‌دانند. برای فتوت و جوانمردی اساس و اصولی مانند: وفا، صدق، امن، سخا، تواضع، نصیحت، هدایت، توبه، مراقبت از نفس و پاک‌دامنی را برمی‌شمارند و شایسته جوانمردی کسی را می‌دانند که مستعمل این خصال باشد. کمال جوانمردی را در خصلتهایی چون عفو در وقت قدرت، تواضع در زمان دولت، سخا در هنگام فقر و فاقت و عطاء بی‌منت معرفی می‌کنند. بهترین نوشیدنی در جوانمردی را فرو خوردن خشم؛ نشانه‌های جوانمردی را در صفاتی همانند: تلاش در رواج کارهای خوب، نیکوکاری، منت نهادن؛ نظام مردانگی را تحمل لغزشهای برادران و رسیدگی شایسته به همسایگان؛ برترین مردانگی را یاری رساندن به دوستان با اموال و مساوات با آنها در تمام حالات زندگی معرفی می‌نمایند؛ بخشش در حال تنگدستی، تحمل و صبوری بدون ذلت و خودداری از خواهش و درخواست را عین مروت؛ و صفات و شرایطی چون: راستگویی، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، صله رحم، شرم و حیا، بذل احسان و عطا، پاسخ بدی با نیکی، دادگری، عفو، حفظ دوستی، بخشش، پاکدامنی، قناعت در تجمل و پنهان نمودن فقر و نداری، شجاعت و دلیری، انصاف

با دشمنان، تلاش و کوشش، و ... را برای جوانمرد شایسته و ضروری می‌دانند؛ همچنین صفات و خصوصیتی مانند: حرص، بخل ورزی، دنیاپرستی، تزویر و ریا، دروغ‌گویی، حرام خوردن و کار حرام، کلام زشت، پستی و فرومایگی، منت نهادن، پیمان شکنی، آزار و اذیت مردم و ... را به دور از شأن جوانمردی و فتوت می‌دانند و فتیان را به اجتناب از آنها توصیه می‌کنند. توانگران را در برابر نیازمندان مسؤول می‌داند و بخشیدن به نیازمندان را یکی از شرایط تداوم نعمت و ثروت. حرص را معیوب‌کننده جوانمردی و مروت می‌دانند و می‌فرمایند: قربانگاه اندیشه‌ها، زیر برق طمع‌هاست؛ از منظر حضرت علی (ع) بخل ورزیدن کانون تمام عیبهاست و با مردانگی جمع نمی‌شود و بخیل نباید بر جان و مال مردم مسلط و نباید بر مسلمین ولایت و رهبری داشته باشد. جوانمردان نیز همانند سایر انسان‌ها امکان خطا و لغزش دارند؛ اما مولای متقیان (ع) به مردم سفارش می‌کند که از خطای احتمالی آنها بگذرند و به کارهای نیکشان توجه داشته باشند چرا که خداوند یاور آنهاست.

از آنجا که آن بزرگوار خود ابتدا عامل بود و سپس به مردم توصیه به عمل می‌کرد، همچنین از زشتی‌ها پرهیز می‌کرد و آنگاه مردم را از آن بر حذر می‌داشت؛ بنابراین اهل فتوت در رسایل و آثارشان مکرر به جایگاه والای علی (ع) تصریح کرده و وی را قطب فتوت می‌دانند.

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۴۶)، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، مقدمه و تعلیق سید جلال‌الدین محدث، ۷ ج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبّه‌الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج‌البلاغه، ۲۱ ج، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۴- افلاکی، شمس‌الدین، (۱۳۷۵) مناقب‌العارفین، تصحیح تحسین یازبجی، تهران، دنیای کتاب.
- ۵- حرّ عاملی، محمد حسن، (۱۴۰۹ق) وسائل‌الشیعّه، ۳۰ ج، قم، انتشارات آل‌البیت.
- ۶- حسینی دشتی، مصطفی، (۱۳۸۵)، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
- ۷- خاقانی، افضل‌الدین بدیل، (۱۳۷۵)، دیوان اشعار، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، ۲ ج، ۱، تهران، نشر مرکز.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۵۵)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی.
- ۹- رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۷۷)، خلاصه تاریخ اسلام، تلخیص محمدعلی چنارانی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- ریاض، محمد، (۱۳۸۲)، فتوت‌نامه، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، ۱ ج، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۱- سجادی، سید ضیاء‌الدین، (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، ۴ ج، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۲- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۲)، گزیده قصاید، جعفر شعار، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- ۱۳- _____، (۱۳۸۱)، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، ۷ ج، تهران، خوارزمی.
- ۱۴- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۸۷)، حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، به کوشش مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- شریف‌رضی، حسین بن محمد، (۱۳۹۱)، نهج‌البلاغه حضرت علی (ع)، ترجمه محمد دشتی، ۳ ج، تهران، انتشارات پیام عدالت.
- ۱۶- صراف، مرتضی، (۱۳۷۰)، رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت‌نامه)؛ مقدمه و خلاصه فرانسوی هانری کرین، تهران، انجمن ایرانشناسی فرانسه و انتشارات معین.
- ۱۷- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، (۱۳۶۴)، مصیبت‌نامه، تصحیح عبدالوهاب نورانی وصال، تهران، انتشارات زوار.
- ۱۸- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، (۱۳۶۷)، ترجمه رساله قشیری، با تصحیحات و استدراکات بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۶۹)، تحفه‌الاکوان فی خصائص‌الفتیان، مقدمه و تصحیح و تعلیق سید محمد دامادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

Archive of SID

- ۲۰- کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ، (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی، تصحیح و مقدمه محمدجعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۱- گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۹)، فتوت در کشورهای اسلامی، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، انتشارات روزبه.
- ۲۲- مجلسی، علامه محمدباقر، (۱۳۷۷)، بحارالانوار، ۱۰ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، قم، مطبه مرکز النشر- مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۴- _____، (۱۳۷۹)، سیاست‌نامه امام علی(ع)، ترجمه مهدی مهریزی، قم، انتشارات دارلحدیث.
- ۲۵- معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی معین، چ ۲۲، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۷۵) مثنوی معنوی، تصحیح نیلکلسون، به کوشش مهدی آذریزدی، چ ۳، تهران، انتشارات پژوهش.
- ۲۷- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱)، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، ۱۰ ج تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۲۸- میر عابدینی، سید ابوطالب و مهران افشاری، (۱۳۷۴)، آیین قلندری، تهران، انتشارات فرا روان.
- ۲۹- ولایتی، علی اکبر و همکاران، (۱۳۹۳)، دانشنامه جوانمردی، چ ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.

Received: 2018/4/29

Accepted: 2018/10/8

Chivalry and Generosity in Manners and Words of Imam

Ali (a.s)

Ali Zarini¹, Reza Samizadeh²

Abstract:

Generosity is a branch of science sufism that its way and customs are simple, feasible and befitting of the public's understanding. Imam Ali (a.s) generosity and magnanimity of the best resplendency religion and most beautiful ornament for man knows. What Imam Ali (a.s) for chivalrouses and People of chivalry in pole position puppet generosity, his moral character that emerges in acts and words of that great man. moral characteristics of honorable Imam has been of interest to scholars of ethics and authors a long time ago; so many religious texts and chivalry books to conduct clean and honorable citations have argued. In this study, terms, symbols, rituals and principles of generosity in the menology and speech of honorable is studied, and the traits and characteristics of Imam Ali as pole generosity and magnanimity has been exemplary.

Keywords: *Generosity, chivalry, the.*

¹. PhD Student, Persion language and Literatue, Imam Khomeini International University, Qazvin, corresponding author.

². Associate Professor, Imam Khomeini International University, Qazvin.